

خبری از غرش کامیون هادر جاده نیست

اکسیر خصوصی سازی، طلای کشت و صنعت مهاباد را مس کرد



نسرین هزاره مقدم

جاده ارومیه - مهاباد دقیقاً در مجاورت شهری با پیشینه کشاورزی مکانیزه و صنعتی است که امروزه هیچ چیزش سر جای خود نیست؛ نه خبری از خاورهای پشت هم ایستاده حمل مرغ است، نه نشانی از جوش و خروش کارگران در روزگاران گذشته. همه چیز بی صدا و بی تحرک است و انگار مدت هاست آب‌ها کامل از آسیاب افتاده است.

در میانه دهه ۴۰ شمسی، با در دستور کار قرار گرفتن آنچه اصول شش گانه انقلاب سفید نامیده می‌شد، مکانیزاسیون کشاورزی و دامداری با ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت در نقاط بارور و حاصل خیز کشور، به عنوان راهکاری برای بالا بردن نرخ تولیدات کشاورزی و دامداری، به میدان آمد. قرار بود هم محصولات کشاورزی روستاییان محلی با قیمت تضمینی مناسب خریداری شده و به مجتمع‌های صنعتی منتقل شود و هم فرصت اشتغال برای جوانان روستایی فراهم شود تا دیگر برای لقمه‌ای نان به شهرها مهاجرت نکنند و حاشیه‌نشین نباشند اما بر اساس رای و نظر قطعی همه کارشناسان منصف و بی طرف، روند مکانیزاسیون کشاورزی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، به اهداف پیش‌بینی شده دست پیدا نکرد.

بعد از اصلاحات ارضی و از دور خارج شدن کشاورزی و دامداری سنتی، به دلیل نبودن امکانات کافی برای کاشت، داشت و برداشت و از بین رفتن بسیاری از فرصت‌های رسمی و غیررسمی اشتغال، نرخ مهاجرت از روستا به شهر در این سال‌ها، نه تنها متوقف نشد بلکه شتاب گرفت و حاشیه‌نشینی و شهرکسازي در حاشیه شهرها، تبدیل به کلونی زیست افرادی شد که پیش از این، کارگر روستایی و روستائین محسوب می‌شدند برای نمونه، کارگران روزمزدی که سال‌ها در زمین‌های بزرگ به صورت روزمزد فعلگی می‌کردند، بعد از اصلاحات ارضی و قطعه قطعه شدن

زمین‌های بزرگ، دیگر شغلی نیافتند چرا که خودد هقان خرده پا که صاحب زمین شده بود به همراه خانواده‌اش، از پس کار کاشت، داشت و برداشت برمی‌آمد و دیگر نیازی به کارگر روزمزد نداشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با سرلوحه قرار دادن شعار اساسی رسیدن به استقلال و خودکفایی در بخش کشاورزی، کمک به کشاورزان خرده پا از طریق رونق بخشی به تعاونی‌های کشاورزی و روستایی و همیاری‌های نهادهایی مانند جهاد سازندگی و جهاد روستایی، در دستور کار قرار گرفت و کشاورزی برای یکی دو دهه به اوج بازگشت و سسال‌های خوبی را تجربه کرد.

در طول سال‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰، مسیر رسیدن به استقلال در محصولات کشاورزی و دامداری، هر چند با فراز و نشیب و افت و خیز بسیار، اما مسیری رو به جلو بود. این سال‌ها، سال‌های اوج و رونق مجتمع‌های کشت و صنعت در کشور محسوب می‌شود اما با ورود سیاست‌های تعدیلی و نئولیبرالی در دهه ۸۰، ورق بر گشت. خصوصی سازی که پا به میدان گذاشت، مجتمع‌های کشت و صنعت ناچار شدند با روزهای اوج و رونق خود خداحافظی کنند و خیل کارگران متخصص بخش کشاورزی به سمت فعلگی، مهاجرت به شهرها و مشاغل کاذب کشیده شدند. خصوصی سازی که در اجاره خصولتی سازی و تولیداری بدل شد، سرنوشت مجتمع‌های عظیم کشت و صنعت را به تعدادی افراد سودجو و بعضاً ناوارد سپرد که چندان اهمیتی برای سرپانگه داشتن مجتمع و رونق تولید نداشتند. در واقع همان طور که کارخانه‌ها و صنایع تولیدی و صنعتی در دهه ۸۰ با رواج خصوصی سازی زمین خوردند و برخی از آنها دیگر هرگز از جا بلند نشدند، مجتمع‌های کشت و صنعت نیز که قرار بود خودکفایی در بخش کشاورزی را عملی کنند، به سرانسیب حقیقی

بیدادش بخیر سال‌های رونق کشت و صنعت، نمی‌دانید چه کبابیایی داشت و چه رفت و آمدی در جاده منتهی به مجتمع بود. خاورها و کامیون‌ها به صف بودند تا مرغ گشتار روز و محصولات را به شهر ببرند

سقوط کردند و برخی از آنها دیگر هرگز روی رونق راندیدند. دو نمونه از این مجتمع‌های سقوط کرده، یکی کشت و صنعت مغان است و دیگری کشت و صنعت مهاباد در مهاباد آذربایجان غربی.

تاریخ تلخ کشت و صنعت مهاباد

کشت و صنعت مهاباد، بعد از خصوصی سازی در سال ۸۶، دیگر روی رونق و سربلندی راندید. این مجتمع تا امروز تاریخ رو به سقوط اطولانی‌ای را پشت سر گذاشته است. متولدین دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی مهاباد، هنوز روزهای کلنگ‌زنی راه افتادن این مجتمع عظیم را به یاد دارند و روزهای رونق و اوج آن قصه‌های بسیار تعریف می‌کنند. «محمد» پیرمردی اهل مهاباد است که هم خودش و هم برادرانش، سسال‌های دور، محاسن را در واحدهای همین مجتمع سفید کرده‌اند. او با تلخندی بر لب می‌گوید: «یادش بخیر سال‌های رونق کشت و صنعت نمی‌دانید چه کبابیایی داشت و چه رفت و آمدی در جاده منتهی به مجتمع بود. خاورها و کامیون‌ها به صف بودند تا مرغ کشتار روز و محصولات را به شهر ببرند...»

این مجتمع، در سسال‌های ابتدای دهه ۵۰ کلنگ‌زنی شد اما بهره‌برداری آن تا دهه ۶۰ به طول انجامید. این مجتمع عظیم، بعد از بهره‌برداری و آغاز به کار، دقیقاً دو دهه رونق و سربلندی را تجربه کرد اما با خصوصی سازی در سسال ۸۶، همه روزهای خوش

برای همیشه به تاریخ پیوست. کشت و صنعت مهاباد مجموعه‌ای ست متشکل از چهار شرکت «مجتمع کشت و صنعت مهاباد»، «مجتمع دامداری مهاباد» و «مجتمع مرغ مهاباد» و «مجتمع سردخانه زمزم مهاباد». هر چهار شرکت بعد از سال ۸۶، مجبور به تحمل روزگاری سخت شدند. به گفته کارکنان وقت، از سال ۸۶ که مالکیت مجتمع به بخش خصوصی و بستگان یکی از مقامات دولت نهم واگذار شد، مشکلات به تدریج شروع شد و بارها حقوق و حق بیمه کارکنان و مطالبات مرغداران نیز به تعویق افتاد. از همان سال اول، بحران‌ها و مشکلات شروع شد. انباشت بدهی‌های مالک مجتمع، به تدریج چرخ‌های تولید را از کار انداخت. هم‌زمان با تعطیلی واحدهای مختلف این مجموعه و بیلانکلیفی کارگران، سرانجام در آذر ماه سسال ۹۵ بعد از سال‌ها بحران مدیریتی، «عادل سیمین‌بیل» یکی از طلبکاران عمده این مجموعه در ازای طلب ۲۷ میلیارد تومانی‌اش از کشت و صنعت مهاباد که به دنبال شکایت از این شرکت موفق به اخذ حکم مزایده اموال این شرکت شده بود، توانست باقیمت پیشنهادی ۳۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان مالک این شرکت شود. مزایده‌ای که اعتراضات کارگران و برخی دیگر از مطلعین را در پی داشت اما این بار هم چرخ‌ها روی ریل نیفتادند و اوضاع مرتب نشد. فردی که مجتمع عظیم کشت و صنعت را به قیمتی بسیار پایین تر خریده بود، نتوانست از پس مدیریت مجتمع و حل مشکلات متعدد آن بر بیاید. دو ساره مطالبات کارگران پرداخت نشد و اعتراضات کارگری آغاز شد. مجتمع باز هم به روال گذشته، در گیر بدهی‌های انباشته شد و در نهایت، درها همگی تخته شدند.

به رغم همه مشکلات، موج واگذاری اما متوقف نشد. حدود دو سال پیش (آذر ۹۷) رسانه‌ها خبر دادند که صدای راه افتادن چرخ‌های مجتمع کشت و صنعت مهاباد به گوش می‌رسد. این بار شرکت‌های مجتمع را چند پارچه کردند و مدیریت آنها را به افراد مختلف دادند. در آن سال، این مجتمع با سرمایه‌گذاری اهل مهاباد است که هم خودش به کار و برادرانش، سسال‌های دور، محاسن را در واحدهای همین مجتمع سفید کرده‌اند. او با تلخندی بر لب می‌گوید: «یادش بخیر سال‌های رونق کشت و صنعت نمی‌دانید چه کبابیایی داشت و چه رفت و آمدی در جاده منتهی به مجتمع بود. خاورها و کامیون‌ها به صف بودند تا مرغ کشتار روز و محصولات را به شهر ببرند...»

برای همیشه به تاریخ پیوست. کشت و صنعت مهاباد مجموعه‌ای ست متشکل از چهار شرکت «مجتمع کشت و صنعت مهاباد»، «مجتمع دامداری مهاباد» و «مجتمع مرغ مهاباد» و «مجتمع سردخانه زمزم مهاباد». هر چهار شرکت بعد از سال ۸۶، مجبور به تحمل روزگاری سخت شدند. به گفته کارکنان وقت، از سال ۸۶ که مالکیت مجتمع به بخش خصوصی و بستگان یکی از مقامات دولت نهم واگذار شد، مشکلات به تدریج شروع شد و بارها حقوق و حق بیمه کارکنان و مطالبات مرغداران نیز به تعویق افتاد. از همان سال اول، بحران‌ها و مشکلات شروع شد. انباشت بدهی‌های مالک مجتمع، به تدریج چرخ‌های تولید را از کار انداخت. هم‌زمان با تعطیلی واحدهای مختلف این مجموعه و بیلانکلیفی کارگران، سرانجام در آذر ماه سسال ۹۵ بعد از سال‌ها بحران مدیریتی، «عادل سیمین‌بیل» یکی از طلبکاران عمده این مجموعه در ازای طلب ۲۷ میلیارد تومانی‌اش از کشت و صنعت مهاباد که به دنبال شکایت از این شرکت موفق به اخذ حکم مزایده اموال این شرکت شده بود، توانست باقیمت پیشنهادی ۳۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان مالک این شرکت شود. مزایده‌ای که اعتراضات کارگران و برخی دیگر از مطلعین را در پی داشت اما این بار هم چرخ‌ها روی ریل نیفتادند و اوضاع مرتب نشد. فردی که مجتمع عظیم کشت و صنعت را به قیمتی بسیار پایین تر خریده بود، نتوانست از پس مدیریت مجتمع و حل مشکلات متعدد آن بر بیاید. دو ساره مطالبات کارگران پرداخت نشد و اعتراضات کارگری آغاز شد. مجتمع باز هم به روال گذشته، در گیر بدهی‌های انباشته شد و در نهایت، درها همگی تخته شدند.

به رغم همه مشکلات، موج واگذاری اما متوقف نشد. حدود دو سال پیش (آذر ۹۷) رسانه‌ها خبر دادند که صدای راه افتادن چرخ‌های مجتمع کشت و صنعت مهاباد به گوش می‌رسد. این بار شرکت‌های مجتمع را چند پارچه کردند و مدیریت آنها را به افراد مختلف دادند. در آن سال، این مجتمع با سرمایه‌گذاری اهل مهاباد است که هم خودش به کار و برادرانش، سسال‌های دور، محاسن را در واحدهای همین مجتمع سفید کرده‌اند. او با تلخندی بر لب می‌گوید: «یادش بخیر سال‌های رونق کشت و صنعت نمی‌دانید چه کبابیایی داشت و چه رفت و آمدی در جاده منتهی به مجتمع بود. خاورها و کامیون‌ها به صف بودند تا مرغ کشتار روز و محصولات را به شهر ببرند...»

این مجتمع، در سسال‌های ابتدای دهه ۵۰ کلنگ‌زنی شد اما بهره‌برداری آن تا دهه ۶۰ به طول انجامید. این مجتمع عظیم، بعد از بهره‌برداری و آغاز به کار، دقیقاً دو دهه رونق و سربلندی را تجربه کرد اما با خصوصی سازی در سسال ۸۶، همه روزهای خوش

ده‌های رونق پیش از هزار نفر بوده، به یک سوم تنزل یافته است.

در ده‌های کارگران مجتمع، سال‌ها بعد از خصوصی سازی

پای صحبت چند نفر از کارگران قدیمی این مجتمع عظیم نشستیم. همه این کارگران گلایه‌های بسیار از خصوصی سازی و سقوط اجتماعی دارند که روزگاری نه چندان دور، موجب خشنودی و نان آوری مردمان روستائین مهاباد بود.

یکی از این کارگران قدیمی می‌گوید: «بعد از اینکه هر شرکت را به یک نفر واگذار کردند، اوضاع بهتر نشد. سطح اشتغال بسیار پایین آمده و تولید هرگز به نصف سال‌های دهه ۶۰ یا ۷۰ نرسیده است. این مجتمع را از همان اول، به آدم‌های اهل ندانند و به نزدیکان خودشان دادند. ما از همان سال ۸۶ بارها اعتراض کردیم و گفتیم چرا خصوصی سازی؟ مجتمعی که دارد با قدرت و توان کامل کار می‌کند، چرا به بخش خصوصی می‌دهد تا زمین بخورد؟ الان ۱۳ سال گذشته ولی هیچ وقت به آن دوران خوش گذشته بازنگشتم. کشتارگاه مرغی که سال ۷۱ حدود ۳۲ خاور در روز کشتار داشت و دوشیفته کار می‌کرد، الان با دور بسیار آهسته به کندی می‌چرخد. تولید خیلی پایین آمده و بعد از نزدیک ۳۰ سسال، بعضی روزها حتی پنج تن تولید هم ندارند.»

یکی دیگر از کارگران این مجتمع که سال‌هاست برای دریافت مطالبات مزدی خود دوندگی کرده اما هنوز به نتیجه نرسیده، در ارتباط با مشکلات کارگران می‌گوید: «دولت رفت و آفرینان آمدند. این وسط، کارگران بودند که ضرر کردند. هرگز دلیل واگذاری و خصوصی سازی مجتمع برای ما مشخص نشد. این همه سقوط و نابه‌سامانی کافی نیست تا مسئولان بالاخره این واقیعت را بفهمند که نباید مجتمع را به بخش ناکارآمد خصوصی واگذار می‌کردند؟ شخص من طبق اسناد حسابداری، ۸۶ میلیون تومان از مجتمع طلب دارم. اداره کار، نصف این مبلغ را قبول کرده اما همین مبلغ هم تا امروز پرداخت نشده است. اداره کار هم با کارگران همراهی خوبی ندارد و چندان پیگیر مطالبات کارگران نیستند. کارگران کشت و صنعت مهاباد، بعد از سال‌ها دوندگی و از این اداره به آن نهاد رفتن،

کشتارگاه مرغی که سال ۷۱ حدود ۳۲ خاور در روز کشتار داشت و دوشیفته کار می‌کرد، الان با دور بسیار آهسته به کندی می‌چرخد. تولید خیلی پایین آمده و بعد از نزدیک ۳۰ سال، بعضی روزها حتی پنج تن تولید هم ندارند.»

فهمیده‌اند که واقعاً هیچ پشت و پناهی ندارند. کارگران قدیم، خوشبخت‌تر بودند. در سال‌های دولتی بودن، همه کارگران رسمی بودند و مزایای مزدی بسیار خوبی داشتند. وقتی پای تعدیل ساختاری و خصوصی سازی به میان آمد، کارگران قدیمی عطای ماندن در مجتمع را به لقای نابه‌سامانی و پریشان‌روزی‌های بخشیدند و به تدریج رفتند. کارگران جدید که به مجتمع پا گذاشتند، همگی قرار داد موقت و حداقل بگیر بودند و به آهستگی، عرف کارگاه هم رو به زوال گذاشت. حالا مزایای گذشته خبری نیست و حتی اضافه کار هم مرتب پرداخت نمی‌شود. هر کارفرمای جدیدی که آمده، همه تعهدات کارفرمای قبلی را زیر پا گذاشته و کارگران روز به روز بی حقوق تر شده‌اند. یکی از کارگران شاغل این مجتمع که درخواست نامش آورده شود، می‌گوید: «منی گویم در کدام یک از چهار شرکت کار می‌کنم اما گاهی بیشتر از یک شیفت و تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنیم اما آخر ماه که حقوق‌ها را می‌ریزند، می‌بینیم اضافه کاری در کار نیست.»

خصوصی سازی‌های مکرر، همه چیز را به فقیرا کاشده است. سرنوشت مجتمع‌های عظیم و سربلندی‌های امروز سوله‌های نیمه‌باز و نیمه تار یک است، در میانه جاده مهاباد - ارومیه، روزگاری وقتی از مهاباد به سمت ارومیه می‌رفتی، خاور بود که پشت خاور و دهن بود که عقب دهن، غرش ناک و پرو دواز فرعی به جاده اصلی می‌پیچید و محصولات مجتمع کشت و صنعت را برای بازارهای دور و نزدیک می‌برد. حالا بعد از چندبار دست به دست شدن، تعدیل ساختاری زهر خود را آرام آرام به مجتمع و ساکنان قدیمی آن چشاند. این زهر تلخ و کشنده، از کشت و صنعت مهاباد، چیز زیادی باقی نگذاشته است.



کارگران شرکت های چهارگانه سبز (کشت و صنعت - هما مرغ - سردخانه زمزم - مجتمع دامداری و صنعتی) مهاباد

اعتراضات دامنه دار کارگران بندر ماهشهر به دلیل ضعف کمیسیون کارگری

چند مصوبه کارگری، عملاً کمکی به رفع مشکلات کارگران نشده است. در همین حال عدم حضور منظم رئیس شورای تامین شهرستان که کمیسیون کارگری از زیر مجموعه‌های آن است و اداره و جلسات توسط افراد دیگر که آگاهی از مشکلات کارگری و قوانین حمایتی مربوط به آن ندارند و همچنین عدم تمایل بر گزار کنندگان این جلسات به حضور فعالان و نمایندگان کارگران در جلسات، موجب شده است این کمیسیون مهم و مصوبات آن از دید مدیران شرکت‌ها و ادارات کم ارزش تلقی شده و حتی نفرت دوم یا سوم خود را هم به این نشست‌های مهم نفرستند که البته آن‌ها هم هیچ اختیاری از خود ندارند.»

جنوب و رطوبت و دمای بالای ۵۰ درجه این مناطق در فصل تابستان کار می‌کنند، می‌چرخد.» حیدری با بیان اینکه در این میان نقش کمیسیون کارگری شهرستان بندر ماهشهر در کمک به احقاق حقوق قانونی کارگران می‌تواند بسیار تعیین کننده و مفصل الخطاب باشد، گفت: «این همه علیرغم جلسات متعدد این کمیسیون و تصویب مصوبات جدید، عملاً هیچ کمکی به رفع مشکلات کارگری منطقه نشده است. اعتراض‌های دامنه دار کارگران شاهدهی بر این مدعاست اعتراضاتی که به ضعف کمیسیون کارگری برمی‌گردد.» وی افزود: «در نتیجه علیرغم برگزاری جلسات متعدد در کمیسیون کارگری شهرستان بندر ماهشهر و تصویب

اعتراض‌ها برای مدیران این مناطق عادی شده است.» غلامحسین حیدری در گفتگو با ایلنا، با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی شهرستان بندر ماهشهر و بندر امام خمینی در استان خوزستان، گفت: «با وجود اینکه این دو منطقه برای صنعت و تجارت کشور بسیار استراتژیک محسوب می‌شوند و چه در داخل و چه در خارج از کشور نگاه ویژه‌ای به آن‌ها وجود دارد، اما کارگران شاغل در آن‌ها و در کل کارگران مناطق آزاد و ویژه در رنج هستند.» وی افزود: «این در حالی است که چرخ‌های این مناطق استراتژیک به دست‌های کارگران زیادی که به صورت شبانه‌روزی و با تعهد و تخصص کم‌نظیر، در زیر آفتاب سوزان

اخبار کارگری

مذاکرات مزد ۱۴۰۰

از امروز کلید می‌خورد

نماینده کارگری شورای عالی کار با بیان اینکه مذاکرات دستمزد ۱۴۰۰ کارگران از امروز کلید می‌خورد، گفت: طبق بررسی نمایندگان کارگری، رقم سبده معیشت سال آینده ۹۵ تا ۱۰ میلیون تومان است. محمدرضا تاجیک در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اظهار داشت: طبق دعوت نامه‌آرسانی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اولین جلسه کمیته مزد برای بررسی معیشت کارگران جهت تعیین دستمزد سال ۱۴۰۰ روز سه‌شنبه (امروز) برگزار می‌شود. محور این جلسه تعیین هزینه سبد معیشت کارگران در سسال ۱۴۰۰ است. وضعیت معیشت کارگران در سال ۹۹ را در چارچوب‌های مشخص بررسی می‌کنیم و سپس هزینه زندگی کارگران را در اقلام خوراکی و غیر خوراکی تعیین می‌کنیم.

۷۵۰ هزار نفر متقاضی بیمه بیکاری کرونا شدند



مدیر کل امور بیمه‌شدگان تامین اجتماعی گفت: تنها در سه ماهه (اسفند، فروردین و اردیبهشت) ۷۵۰ هزار نفر متقاضی دریافت بیمه بیکاری شدند. به گزارش تسنیم، مهدی شکوری گفت: در اسفند ماه ۲۲۶ هزار بیمه‌شده بیکار داشتیم که مرتباً بیمه‌بیکاری دریافت می‌کردند. در پی شیوع کرونا، تعدادی از مشاغل آسیب و تعطیل نیمه تعطیل شدند و قرار دادها تمدید نشد، همین باعث شد که تعداد مقرر بگيران به یک بار افزایش یافت. تنها در سه ماهه اسفند، فروردین و اردیبهشت ۷۵۰ هزار نفر متقاضی بیمه بیکاری در سامانه بیمه بیکاری شدند و تمایل خود را برای دریافت مقرر بیمه‌بیکاری اعلام کردند. مدیر کل امور بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی با اشاره به جاماندگان بیمه بیکاری گفت: بیمه بیکاری برای ۹۱ هزار جامانده، هفته آینده وارزی می‌شود.

کارگران پتروشیمی ایلام در انتظار بازگشت به کارند

کارگران بیکار شده پتروشیمی ایلام، خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش ایلنا، در روزهای گذشته، یکی از شرکت‌های بیمانکاری پتروشیمی ایلام با اتمام راه‌اندازی پروژه الفین و واحد شیرین سازی تسویه حساب کرد و تلاش‌های این کارگران برای تمدید قرار دادهای شغلی که در همان روزها منقضی شده بود، بی نتیجه ماند. این کارگران اظهار داشتند: پروژه‌هایی که راه‌اندازی آنها به اتمام رسیده، رسماً شروع به کار کرده و چند نفر از کارگران هم به کار بازگردانده شدند اما خواستار آن هستیم که همه کارگران شرکت کار بازگردانده شوند و نگرانیم که از شرکت‌های دیگر نیرو بیاورند.

شورای اسلامی هیکو:

بدهی ۱۲۰۰ میلیارد تومانی شرکت را تعیین تکلیف کنید

شورای اسلامی هیکو در نامه‌هایی به نماینده اراک در مجلس، رئیس قوه قضاییه، وزیر کار و وزیر اقتصاد، خواستار روشن شدن مساله بدهی‌های هیکو شدند.

به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است: «پس از کش و قوس‌های فراوان و مدت‌ها پلاتکلیفی و تنش‌های کارگری، سرانجام در تیر ماه سال جاری مالکیت بیش از نیمی از سهام هیکو در ازای بخشی از دیون دولت به تامین اجتماعی واگذار شد ولی متأسفانه اخیراً اخیر شده ایم که با توجه به اقدامات بسیار مثبت در جهت تولید ماشین‌آلات معدنی برای اولین بار در کشور، موضوع تهاوت بدهی‌های بانکی شرکت با مطالبات تامین اجتماعی از دولت با چالش جدی مواجه شده است. با توجه به بدهی بیش از ۱۲۰۰ میلیارد تومانی شرکت و مسدود بودن فرآیندهای مرتبط بانکی و بازرگانی شرکت به علت بدهی مذکور و همچنین فقدان سرمایه در گردش مناسب جهت تولید، به نظر می‌رسد رونق مجدد هیکو بدون تعیین تکلیف این بدهی‌ها عملاً امکان پذیر نبوده و این موضوع منجر به ایجاد فضای ناامیدی و نگرانی مجدد و جدی در جامعه کارگری هیکو و خانواده‌های آنها شده است.»

خبر



مشاور و نماینده مجمع عالی کارگران با بیان اینکه کارگرانی که در بخش‌های مختلف اقتصادی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مشغول به فعالیت هستند به دلیل ضعف قوانین کار آسیب دیده‌اند، گفت: «همین امر موجب شده مرتباً شاهد برانگیختن احساسات کارگری و برگزاری اعتراض‌های کارگری باشیم تا جایی که اینگونه

حیدری تشریح کرد:

اعتراض‌ها برای مدیران این مناطق عادی شده است.» غلامحسین حیدری در گفتگو با ایلنا، با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی شهرستان بندر ماهشهر و بندر امام خمینی در استان خوزستان، گفت: «با وجود اینکه این دو منطقه برای صنعت و تجارت کشور بسیار استراتژیک محسوب می‌شوند و چه در داخل و چه در خارج از کشور نگاه ویژه‌ای به آن‌ها وجود دارد، اما کارگران شاغل در آن‌ها و در کل کارگران مناطق آزاد و ویژه در رنج هستند.» وی افزود: «این در حالی است که چرخ‌های این مناطق استراتژیک به دست‌های کارگران زیادی که به صورت شبانه‌روزی و با تعهد و تخصص کم‌نظیر، در زیر آفتاب سوزان